

جواب نامه رسیده و فشرده علل نسخ تاریخ و تقویم ایران باستان

دکتر بُرزو نجمی

چندی پیش هم‌کیش محترمی تحت عنوان نامه ی رسیده مطالبی عنوان کرده بود که لازم می‌دانم به آن‌ها جواب بدهم و پیرو آن ناراستی‌های گاه‌شماری (تقویم) را به‌طور بسیار فشرده شرح دهم.

۱- در نوشته پاییزی ۲۰۰۱ یادآور شدم که اشوزرتشت احتمالا (نه به‌طور حتم) در حدود خوارزم یا دریاچه آرال پیدا شده ولی بهتر بود که نوشته شود، به استناد و شواهد بیشتری مکان پیدایش زرتشت خراسان بزرگ یا بلخ باستانی (یکی از شهرهای پیشین خراسان) بوده است و آرامگاهش احتمالا در مزارشریف است که در افغانستان امروزی است و جزو خراسان بزرگ بوده است.

۲- جواب ایراد دوم ایشان: بالفرض اگر زرتشت در بلخ در گذشته است، پیشینیان می‌توانسته‌اند جسد پاک آن مرد بزرگوار را چند صد کیلومتر آن طرف‌تر منتقل و در مزار شریف دفن نمایند، کما این که درباره پادشاه نامدار هخامنشی و اسفندیار روئین تن و افراد برجسته دیگر نیز چنین کردند.

۳- زمان زایش زرتشت با پژوهش بیشتر و کنار گذاشتن غرض شخصی روز به روز روشن‌تر می‌شود و قدمت آن به‌طور یقین به ۱۷۶۷ سال قبل از مسیح می‌رسد. تاریخ را نمی‌شود با پشتیبانی روانشادان دکتر محمد مقدم و دکتر ذبیح بهروز اختراع کرد. (باید یادآوری کنم که استاد ذبیح بهروز استاد دکتر مقدم بوده است) تاریخ زیادی از مورخین منجمله بیرونی و تقویم و تاریخ در ایران (ایران کوده شماره ۱۵ نه ۱۰) که توسط دکتر ذ. بهروز نوشته شده است

ایران زمین

با جداول فراوان و شاهدهای زیاد و منطقی مشکل‌گشای این راز است.

۴- افرادی که مایل به آموزش و پژوهش در دیانت زرتشت و آموزشهای گاتایی هستند باید فرموده‌ها و بازمانده‌های آن والای فرهیخته (گات‌ها) را بیاموزند آن هم به زبان زرتشت گاتهایی و نه زرتشت پهلوی. نویسندگانی که این نکات را رعایت ننموده‌اند، حتی نتوانسته‌اند تاریخ پیدایش دقیق زرتشت را به دست آورند، در صورتی که پژوهشگرانی که وداها (کتاب مقدس هندوها) و گات‌ها (کتاب مقدس زرتشتیان) را مآخذ پژوهشی خود قرار داده‌اند دقیقا به تاریخ پیدایش زرتشت پی برده‌اند. استاد دکتر ذبیح بهروز نیز با پیروی از این اصول و گاه‌شماری، به درستی این تاریخ را آشکار نموده است. تاریخ پیدایش زرتشت را همان طوری که در یک نوشته از نوشته‌هایم ذکر کرده‌ام، تقریبا دو سده پیش در جواب پرسش پارسیان هند از موبدان زرتشتی همکیش‌شان درست برابر تاریخ تعیین شده استاد ذبیح بهروز مشخص و به اطلاع ایشان رسانیده شده. این گزارش یک سده پیش از نوشته دکتر بهروز در ایران کوده شماره ۱۵ است. اگر ما در به کار بردن این تاریخ غفلت کرده‌ایم کوتاهی از ماست.

۵- حتی در آثار سنتی زرتشتیان که به وسیله مغان مادی نوشته شده، خاستگاه و محل معراج زرتشت، شرق ایران (خراسان یا خورآیان) معرفی شده. با استناد به این که گاتها به زبان بلخی قدیمی نوشته شده و زادسپرم و موبدان بزرگ زیادی این برداشت‌ها را تایید می‌کنند، جای تردیدی در این باره به جای نمی‌گذارد. پرسش این است که چطور و به چه علتی زادگاه زرتشت را از شرق ایران به آذربایجان (شمال ایران) تغییر داده‌اند. منطقی‌ترین برهان که باعث توجیه این سوءتعبیر می‌شود، اشتباه در جهت‌یابی یا سویا کوست (بر

ایران زمین

وزن دوست) است که در نوشته‌های پیشین مشروحا بیان نموده‌ام. اشتباه در جهت‌یابی نیز مانند تاریخ‌گذاری، مشکل بزرگی را برای ما زرتشتیان ایجاد کرده است که خوشبختانه در سده اخیر و با پژوهش افرادی آگاه توانسته‌ایم از این راز پرده برداریم.

۶- در تاریخ ایران باستان نیز نادرستی‌هایی را داشته‌اند که یا از ناآگاهی نویسندگان بوده یا از روی غرض و من فقط به دو موضوع اشاره می‌کنم. الف) در بخش مربوط به منوچهر شاه پیشدادی می‌خوانیم: چو موسی بیاید به پیغمبری. در صورتی که درست آن این طور باید خوانده و نوشته شود، چه زرتشت آید به پیغمبری که در کتابهای شاهنامه جدید باید اصلاح شود. دلیل آن این است که نویسندگان (کاتب) خداینامه اغلب عبرانیان بوده‌اند یا افرادی که به اشتباه و سوءنیت جای اسم زرتشت را با موسی تعویض نموده‌اند. بی‌گمان از زبان فردوسی و در سرودن حماسه ملی ایران، اشاره به پیغمبر ایران زمین میشود، ورنه - نه موسی در خاورزمین بوده که فردوسی از آن محدوده جغرافیایی سخن می‌گوید و نه هیچ ارتباط و پیوندی با عصر و زمان منوچهر داشته است.

ب) چرا در شاهنامه فردوسی نامی از هخامنشیان و مادها به میان نیامده؟ جواب این پرسش را استاد دکتر احسان یارشاطر، دانشمند طراز اول پارسی زبان و یکی از شاگردان روانشاد پورداد در ایران نامه، سال سوم شماره ۲، زمستان ۱۳۶۳ داده است که من آن را به طور خلاصه آنرا می‌نویسم.

آنچه در شاهنامه آمده غیر از آنچه مولود طبع شاعرانه فردوسی است، بیشتر بازتاب اثر دیگری است که در حدود ۴۰۰ سال پیش از شاعر بزرگوار توس (فردوسی) در قرن ششم میلادی به نام خداینامه در زمان ساسانیان تدوین شد.

ایران زمین

پرسش واقعی این است که چگونه است که ساسانیان با همه ملی‌گرایی که داشتند از هخامنشیان و مفاخر شاهان آنان بی‌اطلاع بودند؟ این بی‌خبری منحصر به شاهنامه نیست بلکه تواریخ پارسی و عربی نیز به طور کلی، جز جسته و گریخته که آن هم از منابع بابلی یا یهودی اقتباس شده از وجود مادها و هخامنشیان اطلاعی نداشتند. فقط دارا را که اسکندر شکست داده بود، اسکندری که موبدان زرتشتی او را گجسته و ملعون می‌دانستند و می‌شناختند. اما آن هم نه به صورت درست. بلکه دارا را فرزند دارا و این دارا را فرزند هما و هما را فرزند بهمن (وهمن) می‌دانستند و اینها همه را به سلسله کیانی نسبت می‌دادند و این از شگفت‌ترین موارد نسیان تاریخی است که مردمی که نام بزرگترین شاهان تاریخی خود را و کشورگشایی آنها را از یاد برده باشند طبعا این فراموشی احتیاج به توضیح بیشتری دارد.

توضیح این فراموشی را در رواج مذهب زرتشتی باید جست و جو کرد. زرتشت از شمال شرقی ایران، به احتمال زیاد از ناحیه‌ای حدود بلخ و مرو برخاست و وارث سنتی بود که تاریخ قومی ایرانی را مبتنی بر تاریخ شاهان پیشدادی و کیانی می‌شمرد و از غرب و جنوب ایران بی‌خبر بود. این سنتی بود که ریشه کهن داشت و خیلی پیش از به وجود آمدن خاندانهای مادی و هخامنشی پا گرفته بود و در سروده‌های دینی اقوام شمال‌شرقی ایران پیش از زرتشت انعکاس یافته بود. قسمتی از این سرودها در یشت‌های اوستا که سرودهای دینی‌اند و مضمون آنها به پیش از زرتشت بازمی‌گردد بازتاب یافته است. (لازم است متذکر شوم که قسمت‌های ۵گانه اوستا فقط گاتها آموزش شخص زرتشت است و بقیه توسط افراد مختلف و در زمانهای مختلف نوشته شده است) مثلا اسامی هوشنگ و تهمورث و جمشید و ضحاک (از نژاد سامی و

ایران زمین

غیرآریایی بود) و فریدون و سلم و تور و ایرج و منوچهر از پادشاهان پیشدادی و اسامی کیقباد و کیکاوس و سیاوش و کیخسرو و گشتاسب و لهراسب و... از پادشاهان کیانی در این یشت‌ها آمده است. قومی که زرتشت در میان آنها ظهور کرد و زبان اوستایی داشتند به جز این تاریخی نمی‌شناختند که از نظر مورخان نیمی اساطیری است (پیشدادیان) و نیمی دیگر ممکن است افسانه محض نباشد ولی هسته‌ای از حقیقت تاریخی داشته باشد.

این تاریخ که زرتشت آن را با بسیاری از مراسم و آداب دینی و اعتقادات مذهبی (مثل خدایان متعددی چون مهر، بهرام، ناهید و رشن) به ارث برده بود نه در گات‌ها بلکه در قسمت متاخر اوستا به ویژه یشت‌ها منعکس شد و تثبیت گردید و جزو ادبیات مذهبی زرتشتی درآمد. همان طور که در قرآن نیز تاریخ عاد و ثمود و یا تاریخ برخی پیامبران یهود مثل نوح و ابراهیم و یعقوب و یوسف با اسلام در میان مسلمانان رواج گرفت و جزئی از تاریخ سنتی اسلام گردید. در جنوب و غرب ایران طبعاً اساطیر و داستانهای دیگری وجود داشت که بعضی از آنها در آثار یهودیان و یونانی‌ها منعکس است. (مثل پروردن کورش توسط زن چوپان) ولی وقتی که مذهب زرتشتی رواج گرفت و به غرب و جنوب ایران رسید، سنت تاریخی خود را که مبتنی بر سلسله پیشدادیان و کیانی بود با خود به همراه آورد و جز آن را مردود شمرد. در نتیجه حوادث و داستانهای ملی جنوب و غرب ایران به تدریج به دست فراموشی سپرده شد و با این فراموشی نام کورش و داریوش و دیگر شاهان هخامنشی و همچنین شاهان مادی از خاطر مردم محو گردید و همه مردم ایران فقط تاریخ مذهبی را اختیار کردند و هوشنگ و جمشید و فریدون و منوچهر، کیخسرو و... را شاهان عمده خود به شمار آوردند.

ایران زمین

ما ایرانیان از زمان ساسانیان از تاریخ این شاهان یکسره بی خبر مانده بودیم تا آن که در قرن نوزدهم پژوهش دانشمندان غربی در ایران نفوذ کرد و تاریخ باستانی ما را روشن نمود و پرده فراموشی را از چهره شاهان مادی و هخامنشی به کنار زد و آنچه را هرودوت در تاریخ خود درباره شاهان مادی و هخامنشی گفته بود کم و بیش تأیید کرد و به خصوص خواندن کتیبه داریوش در بیستون کمک بزرگی به روشن ساختن تاریخ هخامنشی نمود.

چنانچه در جدال تاریخ و تقویم بارها اشاره کرده‌ام، نادرستی در زمان زرتشت در دو برهه از زمان رخ داده است، یکی از سده سوم قبل از میلاد تا قرن چهارم میلادی و دومی در حدود قرن ششم و هفتم هجری قمری است که بیشترین اخلال در تقویم باستانی پدیدار گشت. در تشریح این مطلب بسیار مهم لازم است مختصری بیشتر گفته شود. در آن فاصله‌های زمانی چندین شخص ادعای پیامبری نمودند که به چند نفر آنها که پیروان شان در تعویض تاریخ موثر بوده‌اند اشاره می‌کنم.

(۱) مهر: بنیان‌گزار آئین مهر که در سال ۱۴۵۴ رَصد زرتشت مطابق ۲۷۲ پیش از میلاد از دوشیزه‌ای باکره زاییده شده و در سال ۲۰۸ میلادی وفات یافته است.

(۲) مانی در سال ۲۵۶ میلادی در بغداد متولد شده، این سال، سال دوم هزاره دوم پیدایش زرتشت است یا بهتر گفته شود مانی ۲۰۰۲ سال بعد از زرتشت پیدا شده. زمان پیدایش زرتشت با این تاریخ چنان بستگی دارد که فقط با این حساب می‌شود تاریخ پیدایش زرتشت را پیدا کرد و به آن هیچ اعتراضی نخواهد بود.

این مانی پیامبر ایرانی بود که اندیشه نیک و بد را که جز در اندیشه بشر

ایران زمین

وجود پیدا نمی‌کند (آموزش گاتهای زرتشت)، دو موجود مستقل تصور کرده و به آن دو شخصیت جداگانه داده، از این جهت مانویان را زندیقان گویند. این فلسفه مانی است که دانشمندان کلیشه‌ای، اشتباه‌ها آن را به زرتشت نسبت داده و آموزش یکتاپرستی خالص زرتشت را متهم به دوگانگی (ثنویت) کرده‌اند. هیچ دیانتی به اندازه مانویت به جهان زیان مادی و معنوی نرسانده است.

(۳) عیسی مسیح: در چندین دهه اخیر در اروپا و آمریکا تحقیقاتی شده و همگی نفی وجود عیسی تاریخی را ثابت می‌کند. من فقط به تاریخ میلادی اشاره می‌کنم و مشتاقان را تشویق می‌کنم به لیست کتابهای کلیدی در آخر نگارش ام توجه نمایند.

۱- برای حقانیت دادن به عیسی مسیح انجیلی تاریخ میلادی را به به سه قرن بالاتر برده‌اند تا همزمان با میترا شود چون تمام مراسم مسیحیان با مهر کیشی یکی است و اکثر دانشمندان تصور می‌کنند عیسی همان مهر است. این تاریخ نادرست و من‌درآوردی است که باعث آشوب زیادی در تاریخ‌های جهانی شده و ترمیم آن اگر محال نیست، خیلی مشکل می‌نماید.

۲- در کتابهای تاریخ اسلامی ظهور عیسی مسیح را در زمان اردشیر و شاپور اول ساسانی گذاشته‌اند و پیش از آن هیچگونه اطلاع قابل اعتمادی از عیسویت در دست نیست.

از طرفی دیده می‌شود که برخی از حواریون تا قرن چهارم میلادی می‌زیسته‌اند که این امری غیرممکن است که فردی چهار سده زنده باشد. ضمناً شباهت مراسم مسیحی و مهر کیشی به حدی است که در تفسیر و جواب این سوال، پیشوایان مسیحی مجبور شده‌اند دروغی بتراشند و بگویند شیطان این رسوم را از عیسویت دزدیده و قبل از عیسویت به پیروان مهر و

ایران زمین

ادیان دیگر (زرتشتی) تلقین کرده است.

۳- تاریخ میلادی که امسال سال ۲۰۰۲ آن است فقط از ده قرن پیش مرسوم شده و سابقه کاربرد پیش از ده قرن ندارد و سده‌ها بعد در همه اروپا معمول نبوده است. امسال که سال ۶۰۴۸۲ یزدگردی است مطابق است با ۳۷۶۹ سال زرتشتی و ۱۳۸۱ شمسی ۲۲۵۸ میتراایی و ۱۷۴۶ مانوی.

فهرست کتابهای کلیدی به انگلیسی

1-The Jesus Mystries by Timothy Froke, Gundyl ISBN 0609807986

2- Jesus and the lost Goddess by TimothyFroke ISBN 06096767-7

3-The Jesus conspiracy vy HoglesKresten ISBN 185230666-1

4-Jesus lived in India by Holger ISBN 18523055092

5- History of Zoroastrianism by N. Dalla

نوشته‌های کلیدی به زبان پارسی

۱- حکمت خسروانی، حکمت اشراق و عرفان از زرتشت تا سهروردی، چاپ تهران، هاشم رضی

۲- کتاب اوستا، دو جلد، دکتر جلیل دوستخواه، تهران

۳- فصلنامه هومت، چاپ آمریکا، دکتر مهر شماره ۱۲-۱۳

۴- تحقیقی در دین مسیح، مهندس جلال‌الدین آشتیانی، تهران، چاپ فروهر

۵- تاریخ و تقویم در ایران باستان (ایران کوده، شماره ۱۵) دکتر ذبیح بهروز، تهران (کمیاب)

۶- ایران‌نامه، سال سوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۶۳، دکتر احسان یارشاطر

۷- میترائیسم، دکتر هاشم رضی، تهران